

مقدمه

سعید نفیسی (۱۲۷۴-۱۳۴۵ ش.) را باید یکی از پرکارترین نویسندگان و پژوهشگران موفق سده اخیر ایران و از پیشروان احیای متون فارسی دانست. مرحوم همایی تعداد کتابهای نفیسی را - اعم از تألیف، تصنیف، تصحیح، ترجمه، تاریخ‌نگاری، داستان‌نویسی و... - متجاوز از ۲۲۰، و تعداد مقالات ایشان را در جراید به بیش از ۱۰۰۰ عدد تخمین می‌زند (همایی، ۱۳۴۵: ۲۶۹ و ۲۷۱). رضازاده شفق می‌گوید: «در جراید تهران، تعداد آثار او را از تألیف و تصحیح، ۲۴۰ و شماره مقالات او را ششصد نوشته‌اند.» (رضازاده شفق، ۱۳۴۵: ۲۸) از مجموع این آثار، حدود ۳۸ اثر، نسخه‌های خطی ادبی و تاریخی است که وی آنها را تصحیح و منتشر کرده است. نقد و تصحیح متون به عنوان علمی پویا در ایران از سده سوم هجری در تمدن اسلامی متداول شد. مصححان سده اخیر در این راه اصولی کلی با عنوان «اصول انتقادی نقد و تصحیح متون» در نظر گرفته‌اند که با توجه به طبیعت هر متن، در تصحیح آن اعمال می‌کنند. نفیسی در این زمینه شیوه‌های چندی به کار برده است و علاوه بر استفاده از اصول انتقادی مرسوم مستشرقان، خود نیز آراء صائبی در این زمینه دارد که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد. آنچه در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته، شیوه نفیسی در نقد و تصحیح دیوان نظامی گنجه‌ای است و کوشش شده شیوه او را با یکی از متقدمان وی (وحید دستگردی) در تصحیح همین اثر مقایسه کنیم تا برخی از شیوه‌ها و شگردهای ایشان روشن‌تر شود. پیش از ورود به مبحث اصلی، ابتدا به پاره‌ای ویژگیهای فنون نقد و تصحیح متون از دیدگاه نفیسی اشاره می‌شود.

نفیسی و تصحیح نسخ خطی

با ملاحظه متون تصحیح شده به همت نفیسی، درمی‌یابیم که وی در تصحیح متون از روشهای چندی استفاده کرده است. در متونی که در ایام جوانی و حتی بعد از آن تا سالهای ۱۳۲۰ تصحیح کرده، از شیوه متداول خاورشناسان، یعنی تصحیح بر پایه اصول

انتقادی پیروی کرده است. اما سالها بعد، شیوه متداول مستشرقان را کافی ندانست و به انتقاد از آن پرداخت. در زمانی که دیوان انوری را تصحیح می‌کرد، در مقدمه کتاب، کار مصححان غربی را در تصحیح متون فارسی به نقد کشید و ضبط نسخه بدلها را کاری بیهوده و باعث افزایش حجم کتاب و سرگردانی خواننده دانست. برای نمونه درباره تصحیح متون نظم اعتقاد دارد «در تصحیح اشعار، آگاهی کامل از زبان هر شاعر و انسی که وی به کلمات و ترکیبات و اصطلاحات داشته، لازم‌تر از هر چیزی است، وانگهی پیش و پس کلمه مشکوک و مناسباتی که با معنی شعر دارد و لطایف و صنایعی که متکی به این کلمه است، خود بهترین راهنما در تصحیح شعر است و اگر هم همه نسخه‌ها نادرست باشد، مصحح می‌تواند و باید کلمه درست را از ذهن خود و انس و عادت خود و عرف زبان به دست آورد و به جای کلمه نادرست بگذارد.» (انوری، ۱۳۳۷: ۵۴)

وی بر اکثر متون مصحح خود، مقدمه‌هایی کشف نگاشته است؛ نگارش احوال شاعران و نقد آراء تذکره‌نویسان گذشته برای نخستین بار، پژوهشهای نفیسی را بر این متون به عنوان پایه و اساس تحقیقات بعد ارزش می‌نهد. نخستین بودن این پژوهشها باعث شده تا بیشتر تلاش وی به روشن کردن نکات تاریک و مبهم زندگی مؤلفان منجر شود و بحث از هنر شعر و نویسندگی آنها کمتر به میان آید. گرچه برخی از این متون خالی از تعلیقات و حواشی است، در متونی که تعلیقاتی می‌نگارد، برخلاف برخی مصححان که کار خود را به نکات ابتدایی و در دسترس، یعنی معنی کردن آیات قرآنی و احادیث و ضرب‌المثلها محدود می‌کنند، نفیسی بیشتر تلاش خود را صرف گشودن غموض و مشکلات می‌کند. البته نکات مزبور را نیز همیشه رها نمی‌کند و گاه به منابع ارجاع می‌دهد. تعلیقات کامل ادبی و تاریخی نفیسی بر کتاب *تاریخ بیهقی*، نکات زیادی را روشن ساخت؛ مطالبی که می‌توان از آن چندین رساله و مقاله استخراج کرد، «به طوری که آنچه درباره خانان ترکستان (آل افراسیاب) نوشت، خود کتابی است مفصل درباب این خاندان که نه فقط مکمل تحقیقات بارتولد درباره ترکستان است، بلکه از

حیث جامعیت و وسعت، از کارهای این محقق بزرگ روسی - که او را گیبون ترکستان خوانده‌اند - نیز کامل‌تر است.» (زرین‌کوب، ۱۳۵۱: ۴۹)

گرچه شیوه تصحیح نفیسی در برخی متون مصحح، با شیوه‌های رایج عصر کاملاً مطابقت ندارد، اکثر ضبط‌های او با توجه به نسخه‌هایی که در دست داشته، روایت‌هایی مناسب است و نیامدن نسخه بدلها - که تنها به کار محققان می‌آید - نمی‌تواند ایرادی اساسی بر آنها باشد. نفیسی در صورت اشکال نسخ، شم فقهاتی را ارجح می‌داند و اجازة دخالت به مصحح می‌دهد. در تصحیحات وی گاه افتادگی نسخ در قلاب آمده و موارد تصحیح قیاسی نیز به علامت خاص خود (ظ) مشخص شده است.

در متون منظوم نمونه‌هایی از ذوقیات وی را با مقایسه کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی - که بدون نسخه بدل است - با کتاب احوال و اشعار رودکی که مشتمل بر نسخه بدل است، می‌توان دید. روش نفیسی در تصحیح متون منظوم، به دست دادن تمام اشعار شاعر است. می‌توان گفت روش او تهیه نسخه جامعی از هر اثر است. باید توجه داشت که این نسخه جامع، با جامع نسخی که در قرون قبل متداول بوده، متفاوت است؛ زیرا در آن زمان، بسیاری از اشعار دیگران در دیوان شعرا وارد می‌شد، اما در اینجا بینش انتقادی وجود دارد و اگر شعری به دیگری منسوب و یا احیاناً شعری ضعیف باشد، بدان اشاره می‌شود.

شیوه نفیسی در تصحیح دیوان نظامی گنجه‌ای

نظامی گنجه‌ای یکی از ارکان شعر فارسی است. زندگی این شاعر شهیر نیز همچون اکثر بزرگان این مرز و بوم، در هاله‌ای از ابهام فرورفته است و تذکره‌نویسان در ثبت و ضبط زندگی وی دچار اشتباهات فراوانی شده، زندگی او را با شاخ و برگها و افسانه‌های موهوم در آویخته و در نسخه‌برداری و انتشار آثار او نیز قصورها ورزیده‌اند، به‌طوری‌که در نسخ متعدد آثار او تفاوت‌های اساسی دیده می‌شود.

از آغاز قرن بیستم به بعد پژوهشگران هر یک به نوبه خود به تحقیق در احوال نظامی پرداختند و گره‌هایی از زندگی شاعر گشودند، این تحقیقات نخست در خارج از ایران شروع شد. در ایران دو تن از پیشروان این تحقیقات، وحید دستگردی و سعید نفیسی‌اند. وحید دستگردی در زمانی که تصحیح خمسه را پیش روی داشت، در اولین شماره مجله ارمنان، نظامی را جزء مبدعان افسانه‌سرایبی دانست (وحید دستگردی، ۱۳:۱۲۹۸) و در شماره‌ای دیگر، در مقاله‌ای با عنوان «یک شاعر فوق‌الطبیعه» به معرفی نظامی پرداخت (وحید دستگردی، ۱۲۹۸: ۱-۱۰).

نفیسی نیز نخست در سال ۱۳۰۳ سلسله مقالاتی در مجله ارمنان به نگارش درآورد و سپس در سال ۱۳۳۴ که به جمع‌آوری و تصحیح دیوان نظامی همت گماشت، همان مطالب را با اصلاح به همراه دریافتهای جدید خود در آغاز آن کتاب گنجانید.

ساختار اثر

این کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است؛ بخش اول به شرح احوال و آثار نظامی، اختصاص یافته و بخش دوم با عنوان «دیوان قصاید و غزلیات نظامی» به اشعار وی اختصاص دارد. بخش اول پژوهش به دو قسمت احوال و آثار تقسیم شده است. نویسنده نخست پیشینه تحقیق را مشخص کرده، سپس به احوال شاعر در دوازده قسمت (نام و نسب، ولادت، مولد و مسکن، زن و فرزند، اخلاق و افکار و معیشت، عصر زندگی، مدت عمر، محیط زندگی، رحلت، مرقد، بازماندگان، ردّ شبهه‌ای بزرگ) پرداخته است.

قسمت دوم این بخش، با اینکه به آثار نظامی اختصاص یافته و به پانزده بخش تقسیم شده، تنها یازده مورد آن مربوط به بحث آثار است؛ نه مورد به آثار خود نظامی (خمسه، مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، بهرام‌نامه، اسکندرنامه، شرف‌نامه، اقبال‌نامه و دیوان نظامی) و دو مورد به ردّ آثار منسوب به نظامی (مثنوی ویس و رامین، داستان

امیراحمد و مهستی) اختصاص دارد و بقیه موضوعات شامل پیروان روش نظامی، شروع اشعار نظامی، موقعیت نظامی در خارج از ایران و گفته‌های پیشینیان درباره نظامی است. شیوه غالب بیان نفیسی در این پژوهش در بخش اول، استنادی- استدلالی و در بخش بعد توصیفی و مستند است. از آنجا که منابع موثق درباره شاعر بسیار اندک است، نویسنده برای بیان هر نکته‌ای در احوال وی، به معتبرترین مرجع موجود یعنی آثار خود شاعر و پس از آن، به نظر دیگر مؤلفان استناد می‌جوید و با آوردن استدلال‌های مختلف - که گاه مستند به شعر خود شاعر و یا حوادث تاریخی و سیاسی و غیره است - دیدگاه‌های دیگران را نقد و تحلیل می‌کند. نقل قولها نه تنها در قسمتهای مربوط به شاعر، بلکه در مسائل جنبی چون تاریخ و اثبات حوادث آن نیز دیده می‌شود. منابع نقل قولهای مستقیم، در زیرنویس؛ و نقلهای غیرمستقیم در خود متن در داخل دو هلال آمده است. نفیسی در ذکر ارجاعات، مشخصات کامل کتاب‌شناختی منابع را ذکر می‌کند. در حین تحقیق اگر با اظهار نظر دیگران کاملاً موافق باشد، موضع خود را با عباراتی چون «این نکته کاملاً درست است» و در صورت شک و تردید، با عباراتی مانند «ممکن است» بیان می‌کند و گاه نیز نظر خود را به پیدا شدن منابع دیگر موکول می‌کند. نفیسی در استفاده از مراجع، معمولاً و سواس زیادی دارد و به اغلب منابع و مراجع موثق رجوع می‌کند، مثلاً در بحثهای تاریخی (از جمله در صفحه ۳۸) به یافته‌های منابع جدید از جمله سکه‌ها رجوع کرده است و این رجوع به منابع جدید در بحثهای تاریخی مطابق با نظری است که خود در نقد یکی از کتابهای تاریخی، در مجله راهنمای کتاب بیان کرده و در کار تحقیق، دیدن جدیدترین منابع را پیشنهاد کرده است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۲۲).

نکته دیگر در روش وی این است که در پاسخ‌گویی به پاره‌ای ابهامات، به یک منبع واحد - به‌ویژه اگر جدید باشد - اعتماد نمی‌کند، و یا با عبارت «احتمال دارد» آن را ذکر می‌کند.

در شرح احوال نظامی، نفیسی کوشیده است از تمام منابع موجود، بهره جوید و در این راه به ۵۳ نقل قول مستقیم از ۴۳ منبع به عنوان شاهد استناد جسته که البته بر آنها،

نقل قولهای غیرمستقیم و منابع کمکی را نیز باید افزود. نفیسی علاوه بر نقل منابع، نفیسی به نقد آنها نیز پرداخته است که نمونه آنها را در صفحات ۱۵، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۵۷، ۷۰، ۱۰۲، ۱۲۵ و ۱۲۷ می‌توان یافت.

سالها پیش از نفیسی، مرحوم حسن وحید دستگردی به گردآوری و تصحیح قصاید، غزلیات و پاره‌ای اشعار پراکنده نظامی مبادرت کرده بود که در ذیل - برای مقایسه کار او با کار نفیسی - به معرفی اجمالی آن پرداخته می‌شود.

دیوان نظامی چاپ وحید

وحید در تصحیح این اثر از هفت نسخه دیوان نظامی سود جسته، به‌علاوه چند بیت را نیز در تکمله از یک یا دو تذکره افزوده است. وحید نسخه‌های مورد نظر را معرفی نکرده، اما گاه ضبط برخی نسخه‌ها را در کنار واژه منتخب در بیت در پراکنش افزوده و گاه نیز در زیرنویس بیت یا مصراع نسخه دیگر را نشان داده که این موارد اندک و انگشت‌شمار است. وحید در چاپ خود اشعار نظامی را به سه دسته اشعار مسلم نظامی، اشعار مشکوک نظامی، اشعاری که از حکیم نظامی نیست و مسلماً از ملانظامی‌های عصر صفوی در ایران و هندوستان است، تقسیم کرده (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۱۷۳) و درباره اشعار نظامی معتقد است: «غزلهای مسلم نظامی ۵۶ عدد است، با دو قطعه و نه رباعی، و غزلهای مشکوک هم سی عدد و محتمل است که دست کم نصف غزلهای مشکوک هم از نظامی باشد.» (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: دوم)

دیوان نظامی چاپ نفیسی

سالها پس از وحید، نفیسی با تفحص در منابع مختلف، به تصحیح مجدد دیوان نظامی همت گماشت. نفیسی در چاپ خود، نه نسخه موجود از دیوان نظامی را در کتابخانه‌ها معرفی می‌کند؛ پس از تطبیق نسخه‌ها، چون پاره‌ای از این نسخه‌ها از روی هم نوشته شده، از سه نسخه در تصحیح سود می‌جوید. علاوه بر آن اشعاری را که در اسنادی مانند

سفینه‌ها، مجموعه‌ها و تذکره‌ها وجود دارد، برای کار برمی‌گزینند و به‌طور کلی از ۳۸ منبع برای تصحیح اشعار بهره می‌گیرد که شامل سه نسخه از دیوان، دو مجموعه، شش سفینه، مجموعه‌ای که پیش از این در مجلهٔ ارمغان منتشر کرده بود، گنجینهٔ گنجوی، و برخی منابع دیگر از جمله کتابها و تذکره‌هایی است که به پاره‌ای اشعار نظامی اشاره داشته‌اند. نفیسی نسخه بدلی به دست نمی‌دهد و تنها برای شناسایی نسخه‌ها، شماره‌های ۱-۳۸ را به عنوان رمز نسخه‌ها انتخاب می‌کند و در بالای هر قطعه شعر، شمارهٔ اسنادی را که شعر در آن موجود بوده، می‌نویسد.

مقایسهٔ انتقادی دو تصحیح

الف) تعداد اشعار

در چاپ وحید اشعار شماره‌گذاری نشده است؛ در بخش نخست ۵۷۷ بیت، در بخش دوم ۱۹۰ بیت و در بخش سوم ۶۵۰ بیت شعر آمده، که در مجموع ۱۴۱۷ بیت می‌شود. تعداد ابیات در چاپ نفیسی در متن، ۱۹۸۹ بیت و در تکملهٔ نه بیت و در مجموع ۱۹۹۸ بیت است. با توجه به رموز چاپ نفیسی، اشعار در نسخه‌ها پراکندگی زیادی دارد، برخی اشعار تنها در یک منبع آمده است؛ از جمله سه رباعی و یک قصیدهٔ ۴۹ بیتی تنها در نسخهٔ وحید دیده می‌شود و اشعاری نیز در نسخهٔ وحید نیست؛ از جمله ۲۳ رباعی و سه قصیده و چندین قطعه و غزل که مجموع آنها به ۵۰۴ بیت می‌رسد و کسری تعداد ابیات (۷۷ بیت) به اشعاری باز می‌گردد که نفیسی از دیگر نسخ به اشعار برگرفته از نسخهٔ وحید، افزوده است.

ب) برخی ضبطهای دو تصحیح

نخستین نکته‌ای که در هر دو چاپ جلب نظر می‌کند، تعداد و ترتیب ابیات هر دو چاپ است. از نظر تعداد، چنان‌که گفتیم ابیات نفیسی بیشتر است و در اشعار مشترک نیز چون نسخه‌های نفیسی بیشتر بوده، ایشان اشعاری را از دیگر نسخ گرفته و اشعار را کامل‌تر و برخی افتادگیهای چاپ وحید را تکمیل کرده است؛ به‌طوری‌که در اشعار مشترک، چاپ

نفیسی ۷۷ بیت بیشتر دارد. در ترتیب و توالی ابیات نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. گرچه بسیاری ابیات به‌ویژه در غزلیات در محور افقی قابل بررسی است، ابیاتی که دارای محور عمودی‌اند، در بیشتر موارد در چاپ نفیسی بهتر جا گرفته است.

در اکثر ضبطها، تغییرات وازگانی چشمگیری دیده نمی‌شود، جز در یک دو بیت، تقریباً تغییری نداریم. در بیت:

بر این صحیفه‌ام آن حرف آخر کلمه که نه وقوف ز معنی است نه خبر ز جرم
وحید بیت را غلط می‌داند و اشاره می‌کند که: حاج فرهاد میرزای معتمدالدوله بیت را به:
«که نه وقوف ز ضم است نه خبر ز جرم»، تصحیح کرده‌اند، ولی این هم صحیح به نظر
نمی‌آید (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۱۹۸). این مصرع در چاپ نفیسی ظاهراً به صورت
قیاسی به «که نه وقوف ز مبنی است نه خبر ز جرم» تصحیح شده (بیت ۳۵۸، ص ۲۴۰) و
با توجه به مصرع اول و لفظ «حرف آخر کلمه» ضبط نفیسی صحیح است.

برخی ضبطها در نسخه وحید غلط است و ایشان به علت نبود نسخه بدلها به تصحیح
آن موفق نشده است. اکثر این موارد در چاپ نفیسی اصلاح شده است و نمونه آنها را
می‌توان در ابیات ۳۹۴ (ص ۲۴۱)، ۷۶۲ و ۷۶۳ (ص ۲۷۰)، ۱۰۶۶ (ص ۲۹۲)، ۱۴۷۰
(ص ۳۲۱) و ۱۶۲۰ (ص ۳۳۲)، چاپ نفیسی به ترتیب برابر با صفحات ۱۸۶، ۲۱۱، ۲۲۵،
۲۲۰ و ۲۱۶ چاپ وحید مشاهده کرد.

گاه وحید بیتی را «مغلوط و خراب» و نسخه بدلها را «مغشوش و بی‌معنی» دانسته،
این نظر گرچه تا اندازه‌ای صحیح است، این موارد در چاپ نفیسی موجب روایت‌های
مناسبی شده است، مثلاً وحید بیت زیر را:

پیش برای جان من لعل تو معجزه نمود همچو نظام گنجه‌ای پیش تو چاکری گرفت
در مقطع غزلی، غلط، و دو نسخه بدل «عیسی دیگری به جان لعل تو...» و «عشق به جان
دیگری لعل تو...» را مغشوش و بی‌معنی دانسته است (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۱۳)، اما

نسخه بدل اول تا حدودی عیب را رفع می‌کند و همین ضبط در چاپ نفیسی با توجه به مصراع بعد، ضبط مناسب زیر را به وجود آورده است:

عیسی دیگری به جان لعل تو معجزه نمود همچو نظامی‌ات بسی پیش تو رهبری گرفت
(بیت ۴۸۰، ص ۴۷۵)

چون وحید نسخه بدل را در پراکنش ذکر کرده، مواردی دیده می‌شود که هر دو مورد قابل قبول است و در چاپ نفیسی نیز گاه این نسخه بدلها وارد شده است و ضبطهای مناسبی به نظر می‌رسد.

نمونه‌هایی هم دیده می‌شود که پاره‌ای از ضبطهای مصححان دارای اشکال است و با تلفیق، ضبط مناسبی به دست می‌آید، مثلاً در دو بیت:

ای ماه بدین خوبی، مهمان که خواهی شد؟ وی آیت نیکویی، در شان که خواهی شد؟
بالای سر از عنبر چتر ملکی داری با چتر و سپاه امشب مهمان که خواهی شد؟
(ابیات ۹۱۹-۹۲۰، ص ۲۸۰)

بیت اول که مطلع غزل است، در هر دو چاپ یکسان است؛ اما مصرع دوم بیت دوم در چاپ وحید به صورت «با چتر سیه امشب، سلطان که خواهی شد»، ضبط شده است (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۱۵). با تأملی در هر دو ضبط درمی‌یابیم که کلمه «سلطان» در چاپ وحید با «ملک» تناسب دارد؛ گرچه واژه «مهمان» در قافیه مطلع آمده و ذکر دوباره آن در مصرع دوم بیت دوم صنعت ردالقافیه است و به اعتبار نظر پاره‌ای بلاغیون، از محسنات غزل محسوب می‌شود، باز هم ضبط «سلطان» مناسب‌تر است و با «سپاه» تناسب بیشتری دارد. در این موارد البته شاید تا حدودی حق با نفیسی باشد، زیرا وی به نسخه خود قناعت کرده و روایتها را تلفیق نکرده، چراکه تلفیق و مزج روایتهای مختلف، در دانش نقد و تصحیح متون مردود است (ر.ک. مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۰-۲۸۳).

جز بیت مذکور، در زمینه صنعت ردالقافیه، نمونه‌های دیگری در هر دو چاپ وجود

دارد؛ در غزلی به مطلع:

هیچ می‌گنجد که فرمانم کنی

درد من بینی و درمانم کنی

(بیت ۱۶۹۶، ص ۳۳۸)

در چاپ وحید به جای «فرمان»، واژه «قربان» آمده است و مصرع اول به صورت «هیچ در گنجد که قربانم کنی» ضبط شده و در بیت چهارم قافیه «قربانم» تکرار شده است (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۲۱) که اگر در این بیت نیز مسامحتاً تکرار قربان را صنعت ردالقافیه تلقی کنیم، باز هم انتخاب نفیسی در مطلع غزل صحیح‌تر است، زیرا فرمان برداری معشوق در درمان درد هجر معشوق تا حدی محال دانسته شده است و با سیاق کلام سازگارتر است.

در غزل:

رایگان ما جمال نمایم

بی تقاضا وصال نمایم

(ابیات ۱۳۴۴-۱۳۴۹، ص ۳۱۱)

بیت چهارم:

تا دل و جان فدای ما نکنند

عاشقان را جمال نمایم

با وجود تکرار کلمه «جمال» (صنعت ردالقافیه) بر ضبط وحید که به جای آن «خیال» آورده (همان: ۲۳۱) ارجح است و مناسب لفظی بهتری با دیگر کلمات از جمله دل و جان دارد.

در برخی ابیات روایتهای چاپ وحید مناسب‌تر است، مثلاً در بیت:

زهره ندارم که ببوسم لب

تیر و کمان دارد ابروی تو

(بیت ۱۴۸۴، ص ۳۲۲)

در چاپ وحید به جای «ببوسم لب»، «ببینم رخت» آمده (همان: ۲۲۰) و این ضبط مناسب‌تر است، اول اینکه در بیت قبل:

خیزم در پات فتم آشکار

چند به دزدی نگرم سوی تو

(بیت ۱۳۸۳، ص ۳۲۲)

صحبت از دیدن است، دوم اینکه تیر و کمان را از دور می‌زنند، یعنی دزدکی نگاه می‌کنم، نمی‌توانم آشکارا به رخت نگاه کنم چون ابروی تو تیر و کمان دارد.

در بیت:

اندرین گرداب هم روزی بیندازی سپر
گر چو ماهی درع پوشی، چون کشف برگستوان
(بیت ۴۳۷، ص ۲۴۵)

در چاپ وحید، به جای «بیندازی سپر»، «براندازی سلیح (سلاح)» آمده و به جای «گرداب» نیز «غرقاب» ضبط شده (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۱۹۳)، ولی «سپر انداختن» ترکیب مناسب‌تری است و در اشعار نظامی نمونه‌ای دیگر هم دارد؛ از جمله در *مخزن‌الاسرار* تصحیح خود وحید آمده است:

چون سپر انداختن آفتاب
گشت زمین را سپرافکن بر آب
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۸: ۴۵)

بیت:

برزخ عمر به سر بردی خوش
دوزخی ناشده رفتی به بهشت

(بیت ۸۳۱، ص ۲۷۴)

این بیت که در مرثیه گفته شده، علاوه بر منبع ۱۲ و ۳۴ در سند شماره یک یعنی *لباب‌الالباب* هم آمده است. در چاپ وحید به جای «برزخ»، «بزخ» ضبط شده (همان: ۲۲۵) که صحیح نیست. مصححان اولیه *لباب‌الالباب* (قزوینی و براون) هم به شکل «برزخ» ضبط کرده‌اند (عوفی، ۱۳۶۱: ۸۸۴) و آن نیز صحیح نیست.

دیدگاه انتقادی مصححان درباره اشعار مشکوک و منسوب به دیگران

برخی اشعار دو چاپ *دیوان نظامی* به دیگر شعرا نیز منسوب است، یکی از دلایل وحید در تقسیم اشعار نظامی به سه دسته نیز این نکته است که شعرای دیگری، نظامی تخلص کرده و خواسته‌اند اشعاری به سبک نظامی بسرایند؛ بنابراین «نسبت این اشعار فرومایه و پست بدان استاد بزرگ علوی مقام خیانتی است بزرگ». (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۱۷۳)

نفیسی، گرچه وجود نظامی‌های دیگر را منکر نیست (ص ۶۹-۷۰) بر نوع تصحیح وحید ایراد وارد کرده و معتقد است: برخی اشعاری را که وی در بخش دوم و سوم آورده، در سفینه‌های کهن و نسخه‌هایی که پیش از دوره صفویه نوشته شده به نام نظامی ضبط کرده‌اند؛ همچنین توقع شاهکار درجه اول از سرایندگان داشتن یک گونه زیاده‌روی است و هر مرد بزرگی ممکن بوده است روزی سخن سستی هم گفته باشد؛ همه اشعار ثبت شده به نام آنها را با نشان دادن مأخذ باید چاپ کرد و سلیقه شخصی را در کار نیاورد (ص ۲۱۲-۲۱۳).

هر دو مصحح به برخی اشعار منسوب به دیگران اشاره کرده‌اند و در هر مورد تا اندازه‌ای بر جاده صواب رفته‌اند. اصولاً اغراق وحید را درباره نظامی، در مقایسه نظامی با فردوسی می‌توان دید (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: نو-نط). همچنین ایشان معتقدند: «در تمام ۲۸۰۰۰ بیت مثنوی نظامی، یک بیت سست دیده نمی‌شود و اگر اتفاقاً یک ترکیب سست یا یک معنی نامناسب یافت شود، از نظامی نیست و الحاقی است، یا آنکه تصرف کاتب و غلط نویسنده در آن راه یافته است.» (همان: نه)

گذشته از اغراقهای وحید، نظر نفیسی مبنی بر یافته شدن برخی اشعار نظامی در سفینه‌های کهن نیز صحیح است و در تقسیم بندی وحید ایراد وارد می‌کند، ولی در مواردی هم حق با وحید است، چنان‌که ایشان درباره غزل:

بنمای رخ که دیدن گلزارم آرزوست در من نگر که نرگس خونخوارم آرزوست
بیان می‌کند: «به ظن قوی از نظامی نیست و به سبک وی شباهت ندارد و به اقتضای غزل مولوی ساخته شده است» (همان: ۲۲۸) و این نظری صائب است، چنان‌که برخی کلمات و عبارات چاپ وحید مثل: «یک دست جام باده و یک دست زلف یار» دقیقاً همان کلمات غزل مولانا است. این غزل در چاپ نفیسی دو بیت افزون دارد و در یکی از همین دو بیت (بیت ۷۸۵، ص ۲۷۱) لفظ «خاموش» نیز آمده که می‌تواند به طور ظریف به مولانا اشاره داشته باشد.

در غزل:

دوش می‌گویند پیری در خرابات آمدست آب چشمش با صراحی در مناجات آمدست
 وحید می‌گوید: «این غزل هیچ شباهت به سبک و روش نظامی ندارد.» (وحید دستگردی،
 ۱۳۱۸: ۲۲۹) این نظر نیز صحیح می‌نماید، زیرا بیشتر واژگان این غزل از جمله،
 «خرابات»، «پیر»، «بتکده» و «مسجد» به اسلوب قلندریات است و بوی غزلیات عراقی
 می‌دهد تا نظامی، گرچه در پایان هم تخلص نظامی دارد.

یا غزلی به مطلع زیر را:

ای آنکه همه مراد مایی چندین به خلاف ما چرایی
 (ابیات ۱۷۴۶-۱۷۵۲، ص ۳۴۱)
 وحید از «سَفِیْنَةُ نَحْجِوَانِي» نقل می‌کند و در بخش سوم می‌آورد و به نظامی‌های عصر
 صفوی منسوب می‌دارد و جمله «تعرضش نمایی» را در بیت:
 هرگز نبرد نظامی از تو هر چند تعرضش نمایی
 دلیل قاطع این دعوی می‌داند (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۵۸).

همچنین غزلی را به مطلع:

ره میخانه و مسجد کدام است که هر دو بر من مسکین حرام است
 (ابیات ۷۵۴-۷۵۹)
 وحید جزء اشعار مشکوک آورده و اشاره کرده که به نام شیخ احمد جام نیز ضبط شده
 است. (همان: ۲۲۸) نفیسی نیز به این نکته اشاره دارد (ص ۲۷۰) اما همین غزل به نام
 عطار نیز مشهور است.

اگر از چند شعری که از اسلوب نظامی دور می‌نماید، بگذریم و اغراق وحید را درباره
 نظامی نیز مطمئن نظر قرار دهیم، گاه نیز نظریات وحید چندان موجه نمی‌نماید. ایشان
 چند غزل را نشان می‌دهد و معتقد است که در دیوان نزاری قهستانی ثبت شده و در
 «سَفِیْنَةُ صَائِب» نیز به نام «نزاری» آمده است، یکی از این غزلیات، غزلی است به مطلع:

عشقی است فراخ و سینه‌ای تنگ راهی است دراز و مرکبی لنگ

(وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۳۱)

ولی نفیسی برای همین غزل (ابیات ۱۱۱۹-۱۱۳۶، ص ۱۶۰-۲۹۲)، شش سند دیگر بجز گنجینه گنجوی به دست می‌دهد که علاوه بر چند نسخه دیوان، یکی از این اسناد (شماره ۳۸) مجموعه‌ای است متعلق به کتابخانه ایاصوفیه در استانبول و تاریخ تحریر آن ۷۲۸ است.

نزاری قهستانی شاعر اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است و وفات وی در سال ۷۲۰ هـ. ق. در بیرجند اتفاق افتاده (دهخدا، ج ۱۴: ۲۲۴۳۰) و به روایتی دیگر تا ۷۲۱ زنده بوده است (بیگدلی شاملو، ۱۳۳۷: حاشیه ۵۲۹). با این توصیف، این سفینه، بسیار نزدیک به زمان نزاری بوده و احتمال اشتباه در آن بسیار کم است. همچنین اسلوب این غزل و دیگر غزلیاتی که وحید به نزاری منسوب می‌کند به گونه‌ای نیست که بتوان به وضوح درباره آن نظری ایراد کرد.

به علاوه چند غزل دیگر نیز وجود دارد که وحید در بخش دوم و سوم آورده است، از جمله غزلی در صفحه ۲۲۹ و غزلی در صفحه ۲۴۹ برابر با صفحه ۲۸۹ (ابیات ۱۰۱۵-۱۰۲۰) و ۳۰۸ (ابیات ۱۲۸۷-۱۲۹۲) چاپ نفیسی، ولی اینها نیز در همین منبع ۳۸ وجود دارد.

همچنین وحید غزلی را به مطلع:

ز تو خوبی شود وز من جوانی

بساز ای یار من نردم زمانی

در بخش سوم (اشعار ملا نظامی‌های عصر صفوی) آورده (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۵۲)،

اما همین غزل در چاپ نفیسی به مطلع:

نه بس عیشی است بی تو شادمانی

نه بس کاری است بی تو زندگانی

(ابیات ۱۶۸۱-۱۶۸۸، ص ۳۳۷)

آمده است و دو بیت بیشتر دارد و چنان‌که ایشان اشاره می‌کنند (ص ۳۳۷) این شعر در مجموعه‌ای متعلق به موزه بریتانیا مورخ ۸۱۳ و ۸۱۴ ثبت است. جز این حتی همان غزلی را که وحید با استدلال و استناد به عبارت «تعرضش نمایی» رد می‌کند، در سند شماره ۲ که سفینه‌ای متعلق به قرن هشتم است، وجود دارد.

نقد و نظر نهایی و نتیجه‌گیری

این کتاب از لحاظ ساختاری منظم و مرتب است. در نظم اشعار، به خوبی عمل شده، اشعار براساس قوافی منظم شده و نشانه‌گذاری اشعار به خوبی انجام گرفته است و کتاب غلطنامه و فهرستهای منظم و مناسبی نیز دارد. برخی قصاید به علت مشکل بودن نیاز به توضیح اندکی داشته که البته وحید در چاپ خود این موارد را شرح داده است. در محتوا نیز، نویسنده سعی کرده به همه جنبه‌های زندگی شاعر پردازد و چیزی را از قلم نیندازد. اوضاع اجتماعی - سیاسی عصر شاعر به صورت گسترده، و جنبه‌هایی از آثار شاعر تا حد امکان بررسی و تحلیل شده، ولی چون در سراسر این پژوهش دغدغه نویسنده روشن کردن نکات مبهم و مورد اختلاف است، چندان به جنبه‌های هنری آثار وارد نمی‌شود و تنها کلیاتی می‌نگارد.

نفیسی منابع مختلف را دیده و در یک بخش از همه منابع قدیم و برخی منابع جدید به صورت نقل قول مستقیم مطالبی آورده است. البته نفیسی برخی منابع را در اختیار نداشته است، چنان‌که درباره زمان وقوع زلزله گنجه - که در *اقبال‌نامه* از آن یاد شده - یادآور می‌شود که: شاید در کتابهایی که اینک به دست من نیست بتوان پیدا کرد (ص ۱۱۷-۱۱۸) و همین مطلب در کتاب *الکامل* ابن‌اثیر در وقایع سال ۵۳۴ آمده است (ر.ک. زنجانی، ۱۳۶۳: ۸۷۶). هرچند برخی مطالب این منابع هم تکراری است و مطالب خود را از منابع پیش از خود گرفته‌اند، در اکثر مطالب نیز تفاوت‌های معناداری وجود دارد، بنابراین وجود همه آنها خالی از لطف نیست و یک کتاب‌شناسی از نظامی در زمان خود ارائه داده است. البته نفیسی تنها به ارائه اطلاعات خام بسنده نکرده و در حین کار به نقد

آنها پرداخته و مزیتی بسیار مهم به کار خود بخشیده است. جز این بخش، در دیگر بخشها هم اظهار نظرها و استقصائات او در همه جا، راهگشا بوده است. در زمینه منابع اشعار باید گفت که حوزه آنها بسیار گسترده تر از ۳۸ منبع است؛ زیرا یکی از منابع نفیسی (شماره ۳۴)، همان نسخه‌ای است که خود از مآخذ مختلف گرد آورده و وحید دستگردی به تفاریق در مجله ارمغان منتشر کرده است. اگرچه برخی از ۳۷ سند باقی مانده شامل مآخذ، منبع ۳۴ شود، احتمالاً منابع دیگری را نیز دربرمی گیرد و حتی نفیسی در تکمله نیز ابیاتی چند (۹ بیت) از نظامی را از کتاب *نعمات سماع* به دست داده است.

در ذکر مآخذ اشعار، نکته درخور ذکر این است که نفیسی هر جا از *گنجینه گنجوی* استفاده کرده، شماره این منبع (شماره ۱۲) را آورده است، اما در مقاطعات و ابیات پراکنده، اولین قطعه به مطلع:

روزی به گرم گاهان رفتن پیاده‌ای ابلیس پیش آمد موسی کلیم را

(ابیات ۱۸۰۷-۱۸۱۳، ص ۳۴۷)

فقط شماره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ که از نسخه‌های *دیوان* است دیده می‌شود، درحالی‌که این قطعه در چاپ وحید نیز ثبت شده است (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۵۴).

در مقایسه مقالات با کتاب، به برخی سهوها برمی‌خوریم که به نظر می‌رسد برخی به اشتباهات چاپ در مقالات بازگردد. این مطالب، گرچه در این کتاب اصلاح شده، در تاریخهایی که برای *مخزن‌الاسرار* ارائه می‌شود، تناقضهایی دیده می‌شود. چنان‌که در جایی (ص ۷۸) تاریخ ۵۵۲ را می‌پذیرد و در جایی دیگر (ص ۱۰۰) این تاریخ به ۵۵۹ تبدیل می‌شود و در عین حال از تاریخ ۵۷۲ - که در برخی نسخ هست - نیز سود می‌جوید؛ دریافت‌های گذشته و حال تداخل می‌نماید تا استدلال‌هایی صورت گیرد و نظری جامع به‌دست آید؛ با این حال بعید است نظر دوم یعنی تاریخ ۵۵۹ صحیح باشد، مگر اینکه در عبارت نویسنده در نظر اول، ابهام و اشکال وجود داشته باشد. اختلاف نظرهای نفیسی با دیگر محققان، گذشته از چند اظهار نظر و دریافت شخصی، بیشتر به مسائل تاریخی و

تاریخ نسخه‌های در دسترس هر یک از محققان بازمی‌گردد. اکثر تواریخ ارائه شده به وسیله نفیسی نیز به یافته‌های جدید نزدیک است و برخی یافته‌های او سند تحقیقات محققان بعد بوده است و اکثر کسانی که به احوال نظامی پرداخته‌اند، از یادکرد وی غافل نبوده‌اند. گذشته از همه اینها، مهمترین جنبه در این پژوهش، پایه‌گذاری شیوه‌ای بدیع و نو برای اولین بار در ایران است و آن استناد به آثار خود شاعر برای روشن کردن احوال اوست، آنجا که سند موثقی درباره وی وجود نداشته باشد.

در تصحیح، مصحح سعی کرده است تا نسخه‌ای جامع از دیوان نظامی به دست دهد، بنابراین، اشعار را از منابع مختلف گردآورده و شیوه مقابله تمام نسخ را پیش گرفته است. نبود نسخه بدلها کار ایشان را تا اندازه‌ای از انتقادی بودن خارج کرده است، اما دادن شماره اسناد مورد استفاده مزیتی برای این تصحیح، نسبت به تصحیح وحید است و تکمیل کمبودهای چاپ وحید نیز نکته‌ای درخور است. ضبطهای نفیسی نیز نسبت به چاپ وحید، گرچه برخی خالی از اشکال نیست، بیشتر آنها ضبظهای مناسبی است و ایراد وی بر شیوه تصحیح وحید نیز تا حد زیادی وارد است. مقایسه دو چاپ نشان می‌دهد که نفیسی علاوه بر آوردن تمام اشعار منسوب به نظامی، ظاهراً گاه بر اساس مبانی خاص خود، از سبک و سیاق اشعار شاعر، نکاتی را اعمال کرده است، چنان‌که در شعری به مطلع:

فروخوان نامه دردم مگر درمان من سازی دل مجروح من بینی علاج جان من سازی
(ابیات ۱۶۲۳-۱۶۲۸، ص ۳۳۲-۳۳۳)

بعد از بیت ۱۶۲۷ چاپ نفیسی، در چاپ وحید بیت:

چو پیدا شد که در عالم ندارم بی تو جان و دل حرامت باد هر عیشی که در پنهان من سازی
آمده است (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۲۳). نفیسی در این غزل به جز نسخه وحید، از هفت سند دیگر از جمله سند شماره ۳۸، سود جسته است. با توجه به نوع نگاه به معشوق در این بیت، الحاقی جلوه کردن آن در نظر نفیسی بعید نمی‌نماید.

گرچه کامل بودن اشعار چاپ نفیسی به نسبت چاپ وحید آشکار است، این امکان وجود دارد که اشعاری از نظامی در نسخه‌های خارج از کشور به دست آید و چنان‌که نفیسی نیز اشاره کرده است (ص ۱۳۱)، در داخل و خارج از کشور نسخه‌هایی وجود دارد که به دست ما نرسیده و از جمله آنها نسخه‌ای است در قاهره. حتی برخی برآنند که نظامی به ترکی نیز اشعاری سروده است (فیض‌الهی، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۴). گرچه نفیسی بر این باور نیست، این احتمال را نیز نمی‌توان منکر شد. با این توصیف اگر روزی اسنادی به دست آید، تجدید نظر و اعمال آنها لازم است. ولی هنوز چاپ نفیسی کامل‌ترین چاپ است و مقام وی در بین پیشروان نظامی‌پژوهی مقامی ماندگار است.

منابع

- احمد نژاد، کامل (۱۳۶۹) *تحلیل آثار نظامی*، ج ۱، تهران، انتشارات علمی.
- امامی، نصرالله (۱۳۷۷) *مبانی و روشهای نقد ادبی*، ج ۱، تهران، جامی.
- انوری ابیوردی، اوحدالدین (۱۳۳۷) *دیوان انوری*، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران، مؤسسه مطبوعات پیروز.
- بیگدلی شاملو، لطفعلی بیگ بن آقاخان (آذر) (۱۳۳۷-۱۳۳۸) *آتشکده*، ج ۲، تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر.
- ثروت، منصور (بی‌تا) *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، ج ۲، دوره جدید، ج ۱۵، ج ۱۴، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رضازاده شفق، صادق (۱۳۴۵) «به یاد سعید نفیسی»، مجله دانشکده ادبیات، س ۱۴، ش ۱، ص ۲۷۹ - ۲۸۳.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۱) «دوباره سعید نفیسی» [سخنرانی]، پیام نوین، د ۱۰، ش ۱، ص ۴۴-۵۳.

زنجان، برات (۱۳۶۸) احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چ ۱، تهران، دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۶۳) «تاریخ ولادت و وفات نظامی گنجوی»، آینده، س ۱۰، ش ۱۲، ص ۸۷۵-۸۷۸.

شهابی، علی اکبر (بی تا) نظامی شاعر داستان سرا، چ ۱، تهران، ابن سینا.
صفا، ذبیح الله (۱۳۶۳) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، چ ۶، تهران، فردوسی.
فیض الهی وحید، حسین (حسین اولدوز) و حمید احمدزاده (حمید تئلم خانلی) (۱۳۷۰) آذربایجان کلاسیک اولدوز لاری، شنجیلیمیش اثرلر (دیوان نظامی گنجوی)، چ ۱، تبریز، یاران.

عوفی، محمد (۱۳۶۱) لباب الالباب، از روی چاپ براون و قزوینی و نخبه تحقیقات سعید نفیسی، به کوشش محمد عباسی، چ ۱، تهران.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)، چ ۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
مبارز، ع. م. آقلی زاده، م. سلطانی (۱۳۶۰) زندگی و اندیشه نظامی، اقتباس و برگردان ح. م. صدیق، چ ۲، تهران، توس..

م. م. مینوی، مجتبی] (۱۹۴۱) «نظامی: حیات، شعر، اخلاق»، مجله روزگار نو، ش ۱، ص ۱۸-۲۱.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۳۸) دیوان قصاید و غزلیات، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران، فروغی.

_____ (۱۳۷۸) مخزن الاسرار، به تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ ۳، تهران، قطره.

_____ (۱۳۶۲) کلیات خمسة نظامی گنجوی، به تصحیح حسن وحید دستگردی، با مقدمه دکتر معین فر، تهران، زرین.

نفیسی، سعید (۱۳۰۳) «حکیم نظامی گنجوی»، ارمغان، ش ۲-۳، ص ۵، ص ۶۷-۷۷، ش ۴،
ص ۱۵۵-۱۷۷، ش ۵، ص ۲۶۲-۲۷۳، ش ۶، ص ۳۰۳-۳۱۰- ص ۹-۱۰، ص ۵۲۰-
۵۳۰، ش ۱۱-۱۲، ص ۶۱۵-۶۲۸.

_____ (۱۳۴۱) «نقد بر کتاب تاریخی اجتماعی ایران از آغاز تا عصر حاضر»،
راهنمای کتاب، ص ۵، ش ۶، ص ۵۲۱-۵۲۲.

وحید دستگردی، حسن (۱۳۱۸) گنجینه گنجوی، چ ۱، تهران، ارمغان.

_____ (۱۲۹۸) «اعصار چهار گانه ادبی»، ارمغان، ص ۱، ش ۱، ص ۱۲-۱۹.

_____ (۱۲۹۸) «یک شاعر فوق الطبیعه»، ارمغان، ص ۱، ش ۵، ص ۱-۱۰.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۵) «گوهر نفیسی رفت»، مجله دانشکده ادبیات، ص ۱۴، ش ۳،
ص ۴۹۳-۴۹۵.